

مناظرات تاریخی امام رضا(ع)

اشاره

قسمت سوم

شکی نیست بعد فرهنگی و علمی زندگی امام علی بن موسی الرضا(ع) در پاسداری از حریم عقاید اسلامی، در برابر حملات مکتب ها و فرقه های مختلف آن عصر، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

کتاب مناظرات تاریخی امام رضا(ع) نوشته آیت الله مکارم شیرازی به بررسی اجمالی این بُعد از زندگی امام(ع) می پردازد. در شماره های پیشین ضمن بیان شرایط خاص فرهنگی آن زمان، به مناظرات هفت گانه حضرت که در میان مناظرات ایشان برجستگی خاصی دارد اشاره و مناظره حضرت با جاثلیق دانشمند بزرگ مسیحی به اجمال پرداخته شد.

مناظره با رأس الجالوت

امام بعد از آنکه با جاثلیق مناظره کرد و او را وادار به تسلیم نمود، به رأس الجالوت عالم بزرگ یهود رو کرد و فرمود: تو از من سؤال می کنی یا من از تو سؤال کنم؟

عرض کرد: من سؤال می کنم و هیچ دلیلی از تو نمی پذیرم، مگر اینکه از تورات باشد یا حداقل از انجیل (که غیر از کتاب خودتان است) یا از زبور داوود یا آنچه در صحف ابراهیم و موسی آمده است.

امام(ع) این شرط را پذیرفت و فرمود: غیر از آنچه گفتم، از من قبول نکن.

رأس الجالوت: از کجا نبوت محمد(ص) را ثابت می کنی؟

امام(ع): موسی بن عمران و عیسی بن مریم و داوود، پیامبران بزرگ خدا به آن شهادت داده اند.

رأس الجالوت: شهادت موسی را از کجا اثبات می کنی؟

امام(ع): آیا می دانی که موسی به بنی اسرائیل گفت: به زودی پیامبری از فرزندان برادران شما می آید؛ سخن او را بشنوید و کلامش را تصدیق کنید. آیا برای بنی اسرائیل برادرانی جز فرزندان اسماعیل وجود دارد؟ لابد می دانی اسرائیل فرزند اسحاق و اسحاق برادر اسماعیل است و هر دو فرزندان ابراهیم اند.

رأس الجالوت: درست است. این سخن موسی است.

امام(ع): آیا از برادران بنی اسرائیل (از دودمان اسماعیل) کسی غیر از محمد(ص) ظهور کرده است؟
رأس الجالوت: نه.

امام(ع): آیا همین برای تو کافی نیست؟

رأس الجالوت: خوب است، ولی دوست دارم شاهد دیگری از تورات بیاوری.

امام(ع): آیا انکار می کنی که تورات می گوید: نوری از طرف سینا آمد و کوه ساعیر را روشن ساخت و از کوه فاران هویدا گشت؟

رأس الجالوت: این جمله را می دانم، اما تفسیرش چیست؟

امام(ع): اما نوری که از طرف سینا آمد، واضح است، همان وحی ای است که بر موسی بن عمران در طور سینا نازل شد، و اما روشن شدن کوه ساعیر اشاره به همان کوهی است که در آنجا بر عیسی بن مریم وحی شد و منظور از کوه فاران کوهی است در اطراف مکه که با مکه یک روز فاصله دارد.

آن گاه امام(ع) به جمله هایی از کتاب اشعیای نبی و حقیوق نبی استدلال فرمود و سپس اضافه کرد: داوود نیز در زبورش می گوید: خداوندا کسی را مبعوث کن که سنت را بعد از فترت احیا کند. آیا کسی را سراغ داری جز محمد(ص) که این کار را انجام داده باشد؟

رأس الجالوت: چه مانعی دارد که این شخص عیسی بوده باشد؟

امام(ع): آیا تو نمی دانی که عیسی هرگز با سنت تورات مخالف نبود و همواره آیین آن را تأیید می کرد؟ در انجیل نیز آمده است که فارقلیطا بعد از او (مسیح) می آید و همه چیز را برای شما تفسیر می کند.

رأس الجالوت: چرا، می دانم.

امام(ع): از همه این ها گذشته، من از تو سؤالی دارم. بگو ببینم پیامبرت موسی بن عمران به چه دلیل فرستاده خدا بوده است؟

رأس الجالوت: او کارهای خارق العاده ای انجام داده که هیچ یک از انبیای پیشین انجام نداده اند.

امام(ع): مثلاً چه کاری؟

رأس الجالوت: مثلاً شکافتن دریا، تبدیل عصا به مار عظیم، ضربه زدن به سنگ و جاری شدن چشمه ها از آن، ید بیضا و امثال آن.

امام(ع): راست می گویی، این ها دلیل خوبی بر نبوت اوست. آیا هر کس که دست به خارق عادت‌ی زند که دیگران از انجام مثل آن ناتوان باشند و دعوی نبوت کند، نباید پذیرفت؟!

رأس الجالوت: نه؛ زیرا موسی نظیر نداشت. اگر کسی همان معجزاتی را بیاورد که موسی آورده است، باید پذیرفت و گر نه لازم نیست.

امام(ع): پس چگونه پیامبران پیشین را که قبل از موسی آمدند، پذیرفته اید، در حالی که نه دریا را شکافتند و نه دوازده چشمه آب از سنگ بیرون آوردند و ید بیضایی هم مانند موسی نداشتند و عصا را نیز به مار عظیم تبدیل نکردند؟

رأس الجالوت (سخن خود را تغییر داد و گفت): من گفتم هرگاه کسی خارق عادت‌ی انجام دهد که مردم از انجام مثل آن عاجز باشند، باید پذیرفت، هرچند مثل معجزه موسی نباشد.

امام(ع): پس چرا به نبوت حضرت مسیح اقرار نمی کنید که مردگان را زنده می کرد و افراد نابینا و بیماران صعب العلاج را شفا می داد و...؟

رأس الجالوت: می گویند چنین کارهایی کرده است؛ ولی ما هرگز ندیده ایم!

امام(ع): آیا معجزات موسی را با چشم خود دیده ای؟ آیا غیر این است که افراد موثق از یاران موسی خبر داده اند و این خبر به طور متواتر به ما رسیده است؟
رأس الجالوت: نه.

امام(ع): بنابراین، اگر همین اخبار متواتر از معجزات مسیح خبر دهد، چگونه ممکن است نبوت او را تصدیق نکنید؟
رأس الجالوت در اینجا جوابی نداشت که بدهد.

امام(ع): کار محمد(ص) نیز چنین است. او یتیم و فقیر و درس نخوانده بود؛ اما قرآنی آورد که اسرار تاریخ انبیای پیشین دقیقاً در آن تبیین شده و از حوادث گذشته و آینده خبر داده است و نیز پیامبر از آنچه مردم در خانه های خود می گفتند یا انجام می دادند، پرده بر می داشت و بسیاری معجزات دیگر.
در اینجا رأس الجالوت از سخن باز ماند!

همان گونه که ملاحظه می کنید، امام(ع) به شیوه های مختلفی استدلال می کند. نخست، به دلیل نقلی استدلال می فرماید و سپس به دلیل عقلی، یعنی به مسئله اعجاز متوسل می شود. بزرگ یهود نیز ناچار می شود هر دو را بپذیرد و در برابر آن تسلیم گردد.

مناظره با بزرگ هیربدان

امام(ع) به بزرگ زردشتیان رو کرد و فرمود: به من بگو اینکه زردشت را پیامبر می دانی، بر طبق کدام دلیل است؟ بزرگ هیربدان: او کارهای خارق عادتی انجام داده که هیچ کس قبل از او انجام نداده است. گرچه ما آن را ندیده ایم، ولی اخبار پیشینیان ما گواه بر این معناست.

امام(ع): آیا جز این است که اخبار پیشینیان به شما رسیده و پیروی کرده اید؟

بزرگ هیربدان: نه.

امام(ع): همین گونه سایر امت ها اخباری به آن ها از معجزات موسی، عیسی، (مخصوصاً) محمد(ص) و پیامبران دیگر رسیده است؛ پس چرا این پیامبران را قبول ندارید و تنها روی زردشت تکیه می کنید؟ بزرگ هیربدان خاموش شد و پاسخی نداشت بدهد.

در اینجا امام(ع) با روش پاسخ نقضی جواب داد و در واقع، با تکیه بر قاعده عقلی «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد» به او الزام فرمود که اگر دلیل بر حقانیت زردشت معجزات نقل شده باشد، این معنا درباره سایر پیامبران بزرگ الهی، مخصوصاً در مورد پیامبر گرامی اسلام(ص) که مدارک اعجاز او بسیار بیشتر و گسترده تر است، نیز صادق است.

اضافه بر این، معجزه مهم پیامبر اسلام(ص) قرآن مجید که امام(ع) قبلاً به آن اشاره فرمود، جنبه عینی و حسی دارد و نیاز به تکیه بر تاریخ ندارد. قرآن مجید موجود است و آثار اعجاز آن نمایان.

ادامه دارد...